

### متن پیاده سازی شده جلسه هفتاد و ششم خارج اصول فقه (دور دوم) 25 اردیبهشت ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

#### ترتیب المصالح

بعد از اینکه ثابت شد احکام شرعی تابع مصالح و مفساد است، بحثی که مطرح است ترتیب مصالح و مستند این ترتیب است. با این توضیح که گاهی مصالح با هم تزاممی ندارد اما در هنگام تزامم مثل وقتی که طلبکار هنگام نماز بیاید، بحث ترتیب المصالح مطرح می شود. البته ترتیبی که اینجا گفته می شود آن ترتیبی نیست که کارشناس باید نظر بدهد و آن کار فقه نیست. مثل بحث حذف ارز ترجیحی که این کار کارشناس است نه فقیه اما در مثالی که زدیم مبنی بر رسیدن طلبکار هنگام نماز اینجا فقیه باید نظر بدهد که مصلی می تواند نماز را بشکند یا باید بشکند یا تمام کند یا .... لذا این مساله بحث فقهی است یعنی ترتیب مصالح از نظر فقه.

بعد از اینکه مساله ترتیب را روشن کردیم باید ببینیم مستندات این ترتیب چیست؟ در اصل ترتیب شکی نیست. در تقدیم اهم بر مهم شکی نیست. اما باید دید برای این ترتیب به چه مستندی باید مراجعه کرد.

#### اسناد ترتیب مصالح مفساد

- 1: یکی ادله شرعی است: در باب مسوغات کذب بحث ترتیب مصالح است. مثل دروغ گفتن برای اصلاح ذات البین. دروغ مفسده دارد اما گاهی یک مصلحتی وجود دارد که جلب آن از مفسده کذب مهمتر است. یا در بحث ولایت جائز که در دو جا استثناء شده یکی برای اصلاح حال مردم و یکی برای حفظ جان. یا بحث مستثنیات غیبت.
- 2: دوم ضرورت های فقهی است: مدتی که انسان با فقه مانوس باشد ضرورت هایی را در آن درک می کند که این ضرورت ها یا آیه و دلیل ندارد و یا روایت دارد اما ضعیف است اما مورد استقبال قرار گرفته است. مثل روایت علی الید ما أخذت حتی تودیه که مستند ضمان به ید است ولی سمره بن جندب در سلسله آن است. سمره بن جندب انسان قاتل و اموی و .... است. لذا انسان نباید سریع نسبت به یک روایت بدون توجه به جایگاه آن در فقه نظر بدهد. ضرورت بالاتر از اجماع است چرا که ضرورت به اجماع آشکار می گویند. اگر اجماع به اتفاق کل برسد و آشکار شود به آن ضرورت فقه می گویند.
- 3: عقل: کسانی که هم قائل به درک عقلی در فقه نیستند معتقدند که عقل اینجا مستند ترتیب است مانند محقق خوئی که فرموده بود قاعده ملازمه کبرایی است که صغری ندارد اما اینجا طور دیگر رفتار می کنند مثلاً در وقت تزامم، عقل را یکی از حاکمان امر به تقدم و تأخر معرفی می کنند. مانند راننده ای که تعادل خودروی او به هم می خورد. اگر به چپ بزند یک نفر و اگر به راست بزند بیست نفر را می کشد اینجا آیه و روایت و استفتاء نمی خواهد بلکه عقل درک می کند و باید طبق درک آن عمل کرد.

#### سنجه های ترتیب مصالح و مفساد

- 1: اخروی بودن مسأله: فرقی نمی کند این مساله اخروی، چه دینی باشد و چه دنیوی. گاهی یک مصلحت مربوط به دین نیست اما اثر دینی و اخروی دارد. مثل اینکه اقتصاد مردم مساله دنیایی است اما دین و آخرت مردم به آن مربوط است.
- 2: اجتماعی بودن مصلحت: مثل خیابان کشیدن و تزامم با کسانی که نمی خواهند منزلشان خراب شود. البته نمی توان گفت هر مصلحت اجتماعی بر مصلحت فردی مقدم است.

3: عمومی بودن مصلحت: گاهی دو مصلحت اجتماعی تزامم پیدا می کند اما یکی شمول گسترده تری از دیگری دارد.  
4: تقدیم مصلحت ضروری بر مصلحت حاجی. یک بودجه ای در اختیار دولت است که یا باید خرج ضرورت های مردم بشود یا خرج برخی از کارهای دیگری که مردم به آنها نیاز دارند ولی به مرز ضرورت نرسیده اینجا ضرورت بر حاجت مقدم می شود.  
5: تقدیم مصالح دائم بر مصالح موقت.

6: تقدیم مصلحت قطعی بر مصلحت ظنی و تقدیم مصلحت ظنی بر مصلحت محتمل

7: تقدیم مصلحت اسهل بر غیر اسهل.

8: تقدیم مصلحت اقرب به مقاصد شریعت بر غیر آن

9: تقدیم مصلحت موافق با تکوین

**نکته:** اسناد را نباید با شاخص ها یکی دانست: اسناد مواردی است که حاکم است که سه چیز بود: نصوص و ضرورت های فقهی و عقول اما شاخص ها چیزهایی است که وقتی عقل می خواهد قضاوت کند باید به این موارد توجه کند نهاد تشخیص مصالح و مفاصد

مثلا در ماه رمضان تشخیص ضرر روزه با کیست؟ در کجای اصول بحث شده که نهاد تشخیص مصالح و مفاصد کیست یا

#### احتمالات:

1: خود مکلف: گاهی فرد است و گاهی مثلا دولت است.

2: کارشناس: مثلا در باب تشخیص روزه بگوئیم پزشک باید تشخیص دهد. البته کارشناس در مسائلی است که کارشناس نیاز دارد در غیر اینصورت مثل مثال راننده که ای در حال تصادف است نیاز به کارشناس ندارد  
3: حاکم:

4: مجتهد: مجتهد ممکن است حاکم نباشد چنانچه حاکم ممکن است مقلد نباشد

در فقه و مصلحت به صورت تفصیلی این بخش آمده است. گاهی تشخیص مصلحت برای استنباط محض است گاهی برای استنباط و اجراست و گاهی اجرای محض است. اگر استنباط محض باشد کار مجتهد است و اگر استنباط و اجرا باشد بخش استنباط آن به فقیه مربوط است و بخش اجرا به امت مربوط است. از مباحثی که اینجا مطرح می شود این است که امر مشورت که خدای متعال به پیامبر ص می دهد آیا پیامبر ملزم به اجرای نتیجه مشورت است یا هر چه ایشان خواست به آن می تواند عمل کند.

این مباحث در همه ابواب فقهی محل ابتلاء است.

**خلاصه بحث:** اسناد ترتیب مصالح و مفاصد عبارت است از: ادله شرعی، ضرورت های فقهی و عقل/ سنجه های ترتیب مصالح و مفاصد عبارت است از: 1: اخروی بودن مسأله 2: اجتماعی بودن مصلحت: 3: عمومی بودن مصلحت: 4: تقدیم مصلحت ضروری بر مصلحت حاجتی. 5: تقدیم مصالح دائم بر مصالح موقت. 6: تقدیم مصلحت قطعی بر مصلحت ظنی و تقدیم مصلحت ظنی بر مصلحت محتمل 7: تقدیم مصلحت اسهل بر غیر اسهل. 8: تقدیم مصلحت اقرب به مقاصد شریعت بر غیر آن 9: تقدیم مصلحت موافق با تکوین // نهاد تشخیص مصالح و مفاصد: احتمالات: مکلف/ حاکم / مجتهد / کارشناس.